

خسارت، وجه التزام، خسارت تأخیر تأدیه

دکتر سید محسن پنج‌تنی^۱

مقدمه

خسارت، وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه در وضعیت کنونی نظام حقوقی ما ناهماهنگ و در بعضی موارد تبعیض‌آمیز است. این وضعیت، از یک سو، از اظهارنظرهای شورای نگهبان ناشی می‌شود و از سوی دیگر، تحت تأثیر تحولات انجام‌شده در مقررات مربوطه می‌باشد. نبود مرزبندی دقیق و علمی مفاهیم یادشده خصوصاً در مورد ماده ۲۳۰ ق.م. بر ابهامات موجود افزوده است. به‌همین منظور، مقاله پیش رو تلاش می‌کند سه تأسیس فوق را در سه بخش مرزبندی و تفکیک و پاره‌ای ابهامات را در این خصوص برطرف و نتیجه‌گیری نماید. در بخش اول خسارت بررسی می‌شود و بخش دوم به وجه التزام پرداخته و بخش سوم خسارت تأخیر تأدیه را تجزیه و تحلیل می‌نماید. و نیز بخش چهارم، به مقایسه تطبیقی موضوعات با نظام‌های حقوقی دیگر می‌پردازد. شایان ذکر است که خسارت موردنظر در این مقاله در قلمرو مسئولیت مدنی قراردادی قرار می‌گیرد و در مورد خسارت تأخیر تأدیه

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۴۹ مشهد و عضو هیئت تحریریه ماهنامه «کانون».

هرچند بعضاً به قواعد مربوط به خسارت تأخیر تأدیه در مسئولیت مدنی قهری نیز اشاره می‌شود اما رویکرد اصلی، توافق و تراضی در مورد آن است.

بخش اول: خسارت - Damage

منظور از خسارت قراردادی از بین بردن یا آسیب زدن به اشخاص یا مالکیت‌های آنها در نتیجه نقض قرارداد است و اندازه آن متناسب با زیان و محرومیت زیان‌دیده از حقوقی است که در صورت اجرای کامل قرارداد به دست می‌آورد. با توجه به آثاری که از قرارداد معتبر حاصل می‌شود می‌توان گفت هدف از جبران خسارت در مسئولیت مدنی قراردادی رساندن زیان‌دیده به حقوقی است که اگر قرارداد اجرا می‌شد، نامبرده به آن حقوق دست می‌یافت.

ممکن است در قرارداد راجع به خسارت توافق به عمل آمده باشد. همچنین ممکن است خسارت در قرارداد مسکوت مانده باشد. بنابراین دو حالت در خصوص خسارت متصور است؛
اول: در صورت مسکوت بودن قرارداد در مورد خسارت.

در این حالت، جبران خسارت توسط دادگاه با توجه به هدف از جبران خسارت در مسئولیت مدنی قراردادی به عمل خواهد آمد.

دوم: در صورتی که در قرارداد راجع به خسارت، توافق به عمل آمده باشد.

این توافقی قراردادی راجع به خسارت، به دو صورت ممکن است؛ ۱ - خسارت غیر مقطوع و ۲ - خسارت مقطوع. این دو صورت در دو بند مورد بررسی قرار می‌گیرد:

بند اول: خسارت غیرمقطوع

خسارت غیرمقطوع در جایی است که میزان خسارت در قرارداد به طور دقیق مشخص نشده است اما در قرارداد شرط افزایش یا کاهش و یا عدم مسئولیت مدنی گنجانده شده است. در صورتی که شروط مذکور با موانع [قانونی] قراردادهای مغایرت نداشته است صحیح و قابل اجراست و در صورتی که شروط افزایش و کاهش و عدم مسئولیت مدنی با موانع قراردادهای مغایرت داشته باشد بلااثر می‌باشد.^۱ موانع قراردادهای عبارتند از؛ قانون آمره، نظم عمومی، اخلاق عمومی، عرف آمره، حقوق اشخاص ثالث و عقل.

نکته:

۱ - در صورتی که در قرارداد خسارات عمدی مسئول حادثه، کاهش یا سلب شده باشد، این شرط باطل و بلااثر است^۲

۲ - حذف مسئولیت مدنی و یا محدود ساختن آن به موجب قرارداد در خصوص آسیب‌های جسمی به دلیل ضرورت حفظ سلامت انسان و جلوگیری از اهمال در این خصوص، باطل و بلااثر است.^۳

بند دوم: خسارت مقطوع

خسارت مقطوع، تخمین توافقی طرفین قرارداد در مورد میزان زیان وارده است که ممکن است در نتیجه تخلف از اجرای قرارداد وارد شود. طبق ماده ۳۸۶ ق.ت. طرفین قرارداد حمل و نقل می‌توانند برای میزان خسارت مبلغی کمتر و یا زیادتر از قیمت کامل مال الاجاره معین نمایند.

ماده ۲۳۰ ق.م. تخمین توافقی طرفین قرارداد در مورد زیان وارده را معتبر می‌داند و مقرر می‌دارد؛ «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی را به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر و یا کمتر از آنچه که ملزم شده است، محکوم کند».

دو نکته در خصوص ماده ۲۳۰ ق.م. قابل توجه است:

۱ - خسارت مقطوع موضوع این ماده توسط بعضی حقوق دانان با «وجه التزام» مخلوط شده است.^۴ این موضوع در بخش مربوط به وجه التزام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲ - در بعضی قراردادهای طرفین قرارداد چندین برابر مبلغ قرارداد بعنوان خسارت مقطوع ناشی از نقض قرارداد تعیین می‌نمایند که پرداخت آن نامعقول و بعضاً منتهی به خانه خرابی متعهد می‌گردد.

با توجه به این که طبق ماده ۲۳۰ ق.م. حاکم باید به مبلغ خسارت مقطوع حکم داده و نمی‌تواند متخلف را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده، محکوم نماید، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دادرس به استناد ماده ۲۳۰ ق.م. از تعدیل خسارت مقطوع نامعقول ممنوع شده است یا خیر؟

در پاسخ به نظر می‌رسد در صورتی که خسارت مقطوع مورد توافق به نحو غیر معقولی از خسارت قراردادی واقعی بیشتر باشد به گونه‌ای که اطلاق عنوان خسارت به مبلغ یادشده ممکن نباشد، به استناد ماده ۲۳۰ ق.م. نمی‌توان دادرس را از تعدیل آن منع کرد. زیرا آنچه که دادرس از تعدیل آن منع شده، خسارت مقطوع است و مبالغ هنگفت نامعقول را نمی‌توان داخل در مفهوم خسارت قراردادی منظور نمود. فلذا از شمول حکم ماده ۲۳۰ ق.م. خارج است.

بخش دوم: وجه التزام – penal claus

وجه التزام را باید ضمانت اجرا، درج جریمه و یا شرط کیفری مالی که هریک از متعاملین یا هر دوی آنها در صورت نقض قرارداد به عهده می‌گیرند، تعریف کرد.

ورود زیان، شرط تحقق وجه التزام نیست و کافی است که تعهد موضوع آن در نتیجه نقض قرارداد تحقق یابد. فراتر از آن، حتی در صورتی که نقض تعهد به سود متعهدله باشد وجه التزام قابل مطالبه است. مثلاً در موردی که هزینه‌های تنظیم سند به عهده خریدار است و فروشنده در صورت تأخیر در تنظیم سند ملزم به پرداخت مبلغ دو میلیون تومان به عنوان وجه التزام شده باشد؛ چنانچه در مدت تأخیر فروشنده، هزینه‌های تنظیم سند، کاهش چشم‌گیری پیدا کرده باشد، خریدار هم از این جهت سود برده و هم می‌تواند وجه التزام را مطالبه کند.

ماده ۵۱ ق.د.ا.ر.ک. و آیین‌نامه آن و ماده ۳۵ ق.ث. و ماده ۳۶ آ.ا.م.ا.ر. در خصوص وجه التزام مقرراتی را ارائه نموده است که نشان از پذیرش تأسیس وجه التزام در نظام حقوقی ما دارد.

مستند اعتبار وجه التزام ماده ۱۰ ق.م. است که هرگونه توافقی را که معایر قانون مدنی نباشد، معتبر می‌داند.

طبق ماده ۳۵ ق.ث. محاکم عدلیه در هیچ مورد نسبت به وجه التزام مقرر در معاملات مذکور در ماده ۳۳ و معاملات استقراضی بیش از صدی پانزده در سال، وره لازم‌الاجرا

صادر نخواهد کرد.^۵ وجه التزام به بیش از میزان مقرر در ماده ۳۵ نسبت به قراردادهای موضوع این ماده مغایر قانون امری بوده و باطل و بلااثر است اما در خصوص قراردادهای خارج از موضوع ماده ۳۵ ق.ث. چنانچه وجه التزام مندرج در قرارداد به نحو غیرمعقولی زیاد باشد که منتهی به استثمار و بهره‌کشی از متعهد گردد و اجرای قرارداد منتهی به خانه خرابی وی شده و با سلب تمام یا قسمتی از حقوق مدنی وی ملازمه داشته باشد؛ در این صورت، شرط وجه التزام با اخلاق حسنه و نظم عمومی موضوع ماده ۹۷۵ و نیز ماده ۹۵۹ ق.م. مغایرت داشته و دادرس حق خواهد داشت میزان نامعقول و مغایر با نظم عمومی و اخلاق حسنه را بلااثر اعلام نماید.^۶ بعضی حقوق دانان نفوذ حقوقی شرطی را که حاوی وجه التزام است، به ماده ۲۳۰ ق.م. مستند می‌نمایند. به نظر نگارنده، ماده ۲۳۰ ق.م. مستند اعتبار خسارت مقطوع است و وجه التزام با خسارت مقطوع متفاوت است و نمی‌توان اعتبار آن را به ماده ۲۳۰ ق.م. مستند کرد. زیرا ممکن است وجه التزام هیچ ربطی به خسارت نداشته باشد.^۷ دادرس مطابق ماده ۲۳۰ ق.م. حق کم یا زیاد کردن خسارت مقطوع را ندارد. اگر چنانکه بعضی حقوق دانان می‌اندیشند^۸ وجه التزام را مستند به ماده ۲۳۰ معتبر بدانیم، دادرس در این مورد حق بلااثر اعلام کردن میزان غیرمعقول وجه التزام را از دست می‌دهد. اجرای این نظر چنانکه در رویه دادگاه‌ها دیده می‌شود نتایج اسفباری در جهت بهره‌کشی و استثمار و خانه خرابی افراد به دنبال دارد.^۹

بخش سوم: خسارت تأخیر تأدیه – Late payment damages

خسارت تأخیر تأدیه، مالی است که بابت ضرر وارده در نتیجه تأخیر در ادای دین از طرف مدیون به داین داده می‌شود. خسارت تأخیر تأدیه در مواردی که مورد تعهد تأدیه وجه نقد است در واقع جبران نقص ارزش پول است که در نتیجه تورم محقق می‌شود. خسارت تأخیر تأدیه در ماده ۱۲ قانون صدور چک بلامحل اصلاحی ۱۳۷۲ و تبصره ۵ ماده ۳۴ ق.ث. و ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۱۸ بیش از صدی دوازده ممنوع شده بود. این ممنوعیت به جهت حمایت از ضعفا در مقابل بهره‌کشی زیاده‌طلبی بعضی

ثروتمندان معنی‌دار بود.

شورای نگهبان طبق نظریات مختلفی که در تاریخ ۱۳۶۴/۴/۱۲ طی شماره ۳۸۴۵ و در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۱ طی شماره ۷۶/۲۱/۵۱۲ و در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۴ طی شماره ۳۳۷۸ به شورای عالی قضایی و سپس به رئیس قوه قضائیه اعلام نمود، اخذ خسارت تأخیر تأدیه را که فقط تا صدی دوازده در سال مجاز بود، مغایر شرع اعلام نمود. بدین ترتیب برای مدتی، اخذ خسارت تأخیر تأدیه موضوع قوانین فوق‌الاشاره، غیرممکن گردید.^{۱۰} اما به تدریج اصلاحاتی در قوانین یادشده پدید آمد که ذیلاً اشاره می‌شود:

اول: در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ با تصویب تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک و قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام اخذ خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن و هزینه‌های دادرسی و حق الوکاله طبق تعرفه‌های قانونی ممکن گردید.

دوم: طبق تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ ق.م. مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ در صورتی که مهریه وجه رایج باشد، با توجه به تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال عقد، قابل محاسبه و پرداخت اعلام گردید.

سوم: طبق ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۸ در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده و در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه، از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار دادگاه خسارت تأخیر تأدیه را با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد.

چهارم: طبق ماده واحده قانون الحاقی دو تبصره به ماده ۱۵ اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۷۶/۱۲/۶ کلیه وجوه تسهیلات اعطایی که بانک‌ها در اجرای

این قانون به اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخت نموده یا می‌نمایند و برابر قرارداد تنظیمی مقرر شده باشد که اشخاص مذکور در سررسید معینی وجوه و تسهیلات دریافتی به انضمام سود و خسارت و هزینه‌های ثبتي و اجرائی دادرسی و حق الوکاله را بپردازد، در صورت عدم پرداخت و اعلام بانک بستانکار قابل مطالبه و وصول است و کلیه مراجع قضایی و دوائر اجرای ثبت و دفاتر اسناد رسمی مکلف‌اند بر اساس مفاد اسناد و قراردادهای تنظیمی نسبت به صدور حکم و اجرائیه و وصول مطالبات بانک طبق مقررات این قانون، اقدام نمایند.

پنجم: با توجه به قانون اصلاح ماده ۳۴ اصلاحی قانون ثبت مصوب ۱۳۵۱ و حذف ماده ۳۴ مکرر آن مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲۹ اخذ خسارت تأخیر تأدیه در مورد اسناد رهنی و استقراضی غیر بانک‌ها فاقد مجوز قانونی است؛ چه اینکه سند رهنی مربوط به اشخاص حقوقی غیر بانک باشد یا اشخاص حقیقی.

نکته اول:

در خصوص ماده واحده قانون الحاق دو تبصره به ماده ۱۵ اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۷۶/۱۲/۶ موارد زیر قابل توجه است:

الف: امکان صدور اجرائیه به منظور وصول خسارت تأخیر تأدیه و حتی سود و هزینه‌های ثبتي و اجرائی و دادرسی و حق الوکاله به سود بانک‌ها و عدم امکان وصول موارد فوق در خصوص مؤسسات مالی غیربانک و اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر، تبعیضی نارواست. خصوصاً اشکال آن به این دلیل بیشتر است که عمده اقتصاد کشور ما دولتی است و تصمیمات دولت در اقتصاد اثر فراوانی دارد. لذا اشخاص موضوع حقوق خصوصی هم تحت تأثیر تصمیمات دولت قرار می‌گیرند و هم تبعیض ناروا به نفع دولت را تحمل می‌نمایند. روند خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی نیز با امکان بهره‌برداری بانک‌های مزبور از امتیازات قانون فوق در خصوص خسارات تأخیر تأدیه و سایر هزینه‌ها شکاف تبعیض‌آمیز بین این‌گونه اشخاص حقوقی را که به حوزه حقوق خصوصی وارد می‌شوند، با سایر

اشخاص حوزه حقوق خصوصی عمیق تر می‌کند.

ب: طرح این سؤال منصفانه است که شورای نگهبان با چه معیاری در يك زمان، وصول خسارت تأخیر تأدیه تا میزان ۱۲ درصد در سال را به نفع بانك‌ها غیر شرعی اعلام می‌کند و در يك زمان دیگر، وصول خسارت تأخیر تأدیه را بیش از ۱۲ درصد در سال و حتی سود را به نفع بانك‌ها بر مبنای توافق شرعی اعلام می‌کند؟

ج: با چه معیاری وصول خسارت تأخیر تأدیه و حتی سود توسط بانك‌ها شرعی و وصول خسارت تأخیر تأدیه و حتی سود در اسناد رهنی و استقراضی اشخاص غیربانك، غیرشرعی اعلام شده است؟

نکته دوم: در صورتی که طبق توافق بین طرفین قرارداد جهت تأخیر در پرداخت دیون وجه التزام تعیین شود. وجه التزام تعیین شده تحت حکومت ماده ۳۵ ق.ت. و مواد ۹۷۵ و ۹۵۹ ق.م. می‌باشد که شرح آن در بخش دوم همین مقاله گذشت.^{۱۱}

بخش چهارم: بررسی تطبیقی

در نظام حقوقی فرانسه حذف مسئولیت و یا محدود ساختن آن یا تعیین خسارت به صورت مبلغ مقطوع تنها در مورد مسئولیت قراردادی امکان پذیر است و آن هم مشروط بر این که ضرر وارده لطمه جسمی به زیان دیده نرسانده باشد. لیکن گذشته از اعتبار اصولی شروط محدودکننده مسئولیت قراردادی، رویه قضایی و گاهی قانون اثر این گونه شروط را محدود می‌سازد. مثلاً اگر عدم اجرای قرارداد، ناشی از تقصیر سنگین متعهد، یا شرط محدودکننده مسئولیت به یکی از تعهدات اصلی قرارداد مربوط شود {يك سردفتر نمی‌تواند از نتایج خطاهای ارتكابی خود نسبت به وظیفه‌ای که در قبال ارباب رجوع به‌عنوان مشاور و راهنما دارد از مسئولیت معاف شود} و به‌طور کلی در مواردی که يك شخص حرفه‌ای در مقابل مصرف‌کننده ساده به شرط محدودکننده مسئولیت استناد می‌کند، شرط مذکور نادیده گرفته می‌شود. (لایحه ۲۴ مارس ۱۹۷۸)^{۱۲}

در حقوق فرانسه هرگاه بخشی از تعهد اجرا شده باشد، دادرس می‌تواند میزان وجه

التزام را تعدیل کند.^{۱۳} ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی فرانسه اصلاحی ژوئیه ۱۹۷۵ مقرر می‌دارد؛ هرگاه تعهد جزئاً اجرا شده باشد ممکن است دادرس وجه التزام مقرر را به نسبت بهره‌ای که اجرای جزئی تعهد نصیب متعهدله می‌کند، کاهش دهد.^{۱۴}

ماده ۳۰۲،۲ قانون متحدالشکل تجاری آمریکا مقرر می‌دارد؛

در صورتی که دادگاه از نقطه نظر قانونی دریابد که قرارداد یا هر شرطی از قرارداد در موقع انعقاد نامعقول بوده است، می‌تواند از اجرای قرارداد خودداری کند یا به استثنای شرط نامعقول می‌تواند باقی قرارداد را اجرا کند یا می‌تواند آن قدر اجرای شرط نامعقول را محدود سازد که از هرگونه نتیجه نامعقول جلوگیری به عمل آورد.^{۱۵}

در حقوق آلمان و سوئیس، دادرس می‌تواند شروط کیفی را تعدیل کند یعنی اگر ثابت شود که بیش از خسارت واقعی است، از آن بکاهد و هرگاه زیان دیده ثابت کند میزان خسارت بیش از شرط است، به مقدار زاید، حکم دهد.^{۱۶}

ماده ۱۶۳ قانون تعهدات سوئیس مقرر می‌دارد؛

۱. طرفین قرارداد به اختیار خود مبلغ وجه التزام را تعیین می‌کند.

۲. اگر هدف از وجه التزام تضمین تعهدی نامشروع یا خلاف اخلاق باشد قابل مطالبه نیست.

۳. قاضی می‌تواند اگر وجه التزام را مبالغه‌آمیز تشخیص دهد، میزان آن را تقلیل دهد.^{۱۷} در حقوق انگلستان، وجه التزام باطل است و در این حالت، خسارت غیرمقطوع توسط دادگاه برای پوشش دادن به زیان مالی واقعی اعطا خواهد شد. موارد زیر وجه التزام می‌باشد: اول: اگر رقم شرط شده به نحو گزافی از آنچه به طور معقول می‌توان انتظار داشت، بیشتر باشد.

دوم: وقتی که نقض قرارداد به واسطه عدم پرداخت پولی که باید پرداخت می‌شده، رخ دهد و خسارات در نظر گرفته شده از این رقم بیشتر باشد.

سوم: وقتی رقم ثابتی از خسارات با تحقق حوادث متعددی که از نظر تأثیر بر میزان

ضرر مالی باهم متفاوتند، قابل پرداخت دانسته شده باشد.^{۱۸}

نتیجه:

- ۱ - خسارت قراردادی نامعقول از شمول ماده ۲۳۰ ق.م. خارج و حکم ماده محدود به مواردی است که به مبلغ تعیین شده عنوان خسارت اطلاق شود.
- ۲ - اعتبار شرط حاوی وجه التزام را نمی توان به ماده ۲۳۰ ق.م. مستند نمود. زیرا بستر ماده ۲۳۰ محدود به خسارت مقطوع است و وجه التزام بدون تحقق خسارت هم قابل مطالبه است و لذا با خسارت متفاوت است.
- ۳ - اعتبار بخشیدن به اخذ خسارت تأخیر تأدیه و سود به نفع بانکها طبق ماده واحده قانون الحاق دو تبصره به ماده ۱۵ اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۷۶/۱۲/۶ و ممنوع نمودن آن در مورد سایر اشخاص حقیقی و حقوقی غیرمنصفانه و تبعیضی ناروا است.
- ۴ - ضرورت دارد مقررات مربوط به خسارت تأخیر تأدیه، خسارت و وجه التزام توسط قانون گذار تحت نظمی عادلانه مورد بازنگری کارشناسی قرار گیرد.

پی نوشتها:

۱. ر.ک.: ماهنامه حقوقی کانون سردفتران و دفتریاران، ش. ۱۱۳، بهمن ۱۳۸۹، *تئوری حاکمیت اراده در حقوق قراردادها با رویکرد وصیت، گفتار دوم از بخش دوم، از نگارنده.*
۲. ر.ک.: *قواعد عمومی قراردادها، ج. ۴، ناصر کاتوزیان، شرکت سهامی انتشار، صص. ۳۲۵ الی ۳۲۷.*
۳. ر.ک.: *مسئولیت مدنی، میشل لورراسا، ترجمه دکتر محمد اشتری، نشر حقوقدان، زمستان ۱۳۷۵.*
۴. ر.ک.: *حقوق مدنی وقایع حقوقی، ناصر کاتوزیان، شرکت سهامی انتشار، سال ۱۳۷۹، صص. ۱۸۴ - ۱۹۰ الی ۱۹۳.*
۵. قسمت اول ماده ۳۵ با توجه ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ اصلاح شده است.
۶. ماده ۵۷۰ قانون مدنی ایده نامعقول بودن قرارداد را در خصوص جعله مطرح و جعله بر عمل غیر عقلایی را باطل اعلام می کند. به نظر نگارنده، این حکم در خصوص سایر قراردادهای نامعقول قابل تسری است و جعله خصوصیتی ندارد.
۷. در صورتی که وجه التزام تعیین شده به منظور جبران خسارت تعیین شده باشد، در این حالت، وجه التزام و خسارت مقطوع باهم همپوشانی داشته و در این صورت، می توان به ماده ۲۳۰ ق.م. استناد کرد.

۸. کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، ج. ۴، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶، صص. ۲۲۸ الی ۲۲۹.
۹. شخصاً شاهد مواردی بوده‌ام که محکوم‌له وجه التزام مندرج در قرارداد را که مورد حکم دادگاه نیز قرار گرفته بود پس از مذاکرات توجیهی ناعادلانه دانسته و از آن صرف نظر نمود.
۱۰. برای پاسخ به این سؤال که: آیا شورای نگهبان حق لغو قوانینی را که مغایر شرع می‌داند دارد یا خیر؟ هم‌چنین ر.ک.: مقاله نگارنده تحت عنوان قانون‌گرایی در قانون اساسی ایران، کانون سردفتران و دفتریاران، ماهنامه «کانون»، ش. ۱۱۷.
۱۱. ضرورت دارد که قانون‌گذار به نابسامانی‌ها در خصوص خسارت، وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه پایان داده و قواعد یکسان و عادلانه‌ای در این خصوص تصویب کند.
۱۲. *مسئولیت مدنی*، میشل لوراسا، ص. ۱۵۹.
۱۳. کاتوزیان، *حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص. ۳۶۲.
۱۴. ترجمه محمد علی نوری، *قانون مدنی فرانسه*، کتابخانه گنج دانش، ص. ۴۵.
۱۵. جان آدامس، راجر براون اسورد، *تحلیل حقوق قراردادها*، ترجمه مجید پور استاد، مؤسسه انتشارات مدین، ص. ۸۸.
۱۶. کاتوزیان، *حقوق مدنی ضمان قهری*، ص. ۳۶۳.
۱۷. ترجمه دکتر جواد واحدی، *قانون تعهدات سوئیس*، نشر میزان، بهار ۷۸، ص. ۵۴.
۱۸. General course studying of English law ترجمه حسین رحیمی خجسته، انتشارات مجد، زمستان ۱۳۷۷، ص. ۱۸۶.